

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به شبهات - جناب آقای برنجیان

قسمت ششم - شبهه ششم

بحث مهدویت شخصی و نوعی را توضیح دهیم . یعنی برای خدا نامعلوم بوده است که چه کسی را می خواهد مهدی کند . یا برای خدا معلوم بوده است . خدا دفعهً در جامعه یک نفر را انتخاب کرده و گفته این فرد خوب است و این را برای مهدی انتخاب کنیم . یا در اول روزی که طرح عالم را گرفته است برایش معین کنیم ؟

نوعی یعنی نادانی خدا نسبت به آن مهدی که می خواهد جهان را اصلاح کند . اینهمه وعده روی یک نفر نامعلوم !!! اصلاً این منطقی است ؟ شما زندگیتان ، عاقبتتان خوب می شود ، وضعیت شما درست می شود . چه کسی ؟ حال یک کسی . چطوری است ؟ شخصیت ، نسب ، منطقه ، هویت دارد ؟ نه.

یک نفر می آید ؟ معلوم نیست . چطور می آید ؟ معلوم نیست . آیا این وعده الهی می شود ؟ اگر بنده اینگونه صحبت کنم نوه کوچک من نمی گوید پدربرزگم کم خوابیده و پرت و پلا می گوید .

مهدویت نوعی در اینهمه بشارت معنا ندارد . یک وقتی می گوئیم که ممکن است دنیا را یک نفر اصلاح کند بسیار خوب . وقتی می گوئیم حتماً ، حتماً ، یقیناً با تأکید های مؤکد **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ** (آیه ۵ و ۶ سوره قصص) این همه وعده ، وعده !!! او کیست ؟ معلوم نیست . از کدام تبار است ؟ معلوم نیست . برای کدام منطقه است و چه زمانی متولد می شود ؟ معلوم نیست . مادرش کیست ؟ نمی دانیم . پدرش کیست ؟ نمی دانیم . کارش چیست ؟ نمی دانیم .

یک نفر می آید . به این وعده می گویند و این گونه حرف زدن منطقی نیست . آن کسی که مهدویت نوعی گفته است برای اینکه **نقد ۲** و ۳۷ بزند از امام زمان به کس دیگری این حرفها را مطرح کرده است . برای اینکه باب شیرازی خودش زیر تیرباران دولت قاجار جان از دست داده را مهدی کند ، این حرفها را گفته است . برای اینکه غلام محمد قاضیانی را جانشین امام مهدی کنند این حرفها را گفته اند . نه برای اینکه بگویند او هم نا معلوم است . نه ، معلوم است . نسبت به امام زمان نامعلوم است . این وعده الهی نمی شود . به این وعده الهی نمی گویند . به اصطلاح عامیانه سر مردم شیره مالیدن است .

اینهمه وعده ، از زمان آدم ابوالبشر نور نبی ابراهیم خلیل ، موسی کلیم ، انبیاء الهی ، دعا ، دعا ، دعا که چه کسی بیاید؟! معلوم نیست . خیلی دعا کنید . برای چه کسی ؟ معلوم نیست . چه کاره هست و در کدام امت می آید ؟ معلوم نیست . این را وعده نمی گویند . قطعاً باید یک فرد مشخصی در نزد خدای رب عزت والجلال مشخص باشد . این نوعی نمی شود . هر مصلحی از مصلحان جهان که ممکنه در هر آدمی و در جایی پیدا شود و این را وعده نمی دهند ، این که نمی شود . مثلاً ممکن است در ژرمنی ها کسی پیدا شود .

لازمه وعده مشخص بودن چیست ؟ خدا به اهل ایمان بهشت را وعده داده است . خداوند به اهل کفر جهنم را وعده داده است . بهشت چیست ؟ خیلی جای خوبی است جهنم چیست ؟ خیلی جای بدی است . ورودی ها و شرایط ورودی آن ها چیست . همه را گفته اند و این وعده می شود .

وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ۙ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۗ وَقَالَ مُوسَىٰ ۙ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

با موسی قرار گذاشتیم ۳۰ شب ، ده شب هم اضافه کردیم . این واعدنا و وعده است . ولی با موسی قرار گذاشتیم ولی نبردیمش ، این که وعده نمی شود و یا بردیم ولی دیگر برنگرداندیمش . اصلاً در منطق عقلانی ، وعده نامعین را وعده نمی گویند . وضع کشور خوب می شود ، چه زمانی ، به دست چه کسی ؟ معلوم نیست . اینها دل خوش کردن و آرمان گرایی است و نه مهدویت گرایی . همان حرفهائی که بعضی مستشرقین گفته اند .

سؤال این است که آیا مهدی مبشر انبیاء است ، که خدای آسمانها او را معین کرده است ؟ مردم در بین مردم ، یک کسی میخواهد پیدا شود . کدام یکی است ؟ این فرمایشاتی که شما فرمودید ، معلوم است که خدا یک نفر را معین کرده است . حال اینکه خدا آیا معرفی کرده است یا خیر ؟ بحث دومی است .

نکته دوم :

مسلمانی در روی کره زمین نیست که بگوید که ما فقط قرآن و قرآن ولا غیر . ما چنین مسلمانی نداریم . بله دایره غیر قرآن تا کجاست ؟ اختلاف نظر است . دانشمندان عامه می گویند ، پیغمبران خدا ، اصحاب ، تابعین و اتباع تابعین ، این چهار طبقه که تا دوران امام هادی علیه السلام می شود ، این ها حجّت است و سخن اینها حجّت است . امامیه می گوید از زمان پیغمبر تا شخص امام زمان علیه السلام حجّت است . زیدیه می گویند تا امام سجاد علیه السلام و جناب زید بن علی بن حسین و یحیی و سی و چهار پنج نفر بعدی ، اسماعیلیه می گویند تا زمان امام صادق و اسماعیل بن صادق علیه السلام و یک عده بعدی . در آن وجه مشترکی که همه مسلمانهای دنیا ، مشترک هستند ، کلمات و مطالب پیغمبر خداست .

بنده می خواهیم در مورد مشترکات سخن بگویم که نگویند، فرقه گرائی، دسته گرائی و جمعیت گرائی است. متفق علیه همه مسلمانهای دنیا باشد. چون شما مسلمانی را در دنیا سراغ ندارید که بگوید من نماز را از قرآن یاد گرفته ام. قرآن رکعات ندارد. نماز صبح و ظهر و عصر مغرب و عشا ندارد. در نماز لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، لَا صَلَاةَ إِلَّا بِالتَّقْوَى. نماز، نمازی نیست که وضو، فاتحه کتاب و الحمد نداشته باشد. نماز، نمازی نیست که رو به قبله نباشد. اینها همه باید معین به سنت پیغمبر بشود. بنابراین کلیات وعده های اساسی در قرآن است و قرآن به غیر از نام مقدس پیغمبر خدا، از امت پیغمبر اسم یک نفر را هم نبرده است که این آدم به بهشت می رود و این آدم به جهنم می رود! بنابراین بگوئیم این آدم، نوعی است و شانس به بهشت و یا جهنم می روند. خیر اینطور نیست. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، مؤمنین رستگار شده اند. اینها چه کسانی هستند؟ قرآن مشخص نکرده است. سیره و مبنای قرآن این چنین نیست. چون دائرمدار شخص خاصی نیست. اما سنت پیغمبر چرا. در سنت پیغمبر فرمودند: این صحابه را دیدید؟ این از اهل بهشت است. مالک بن نویره را دیدید چه کار کرد؟ گفتند بله یا رسول الله. فرمودند: این اهل بهشت است.

بسیاری از روایات اسلامی داریم که پیغمبر اهل بهشت و جهنم را جدا کرده اند. این دوزخی است و این بهشتی است. نمی شود آنی را که گفته اند بهشتی است به جهنم ببرند چون وعده پیغمبر است. مسلمانی است، مسلمانانی است. در داستان کربلای امام حسین، یکی از مسلمانی است و کسی شک ندارد که اگر در واقعه کربلا، مگر نام حسین بن علی در قرآن آمده است مگر نام یزید بن معاویه در قرآن آمده و یا مگر محل نزاع آنها در قرآن آمده است؟ ولی کسی شک ندارد که حسین به علی علیه السلام، نواده پیغمبر اکرم و فرزند علی بن المرتضی و فاطمه الزهرا سلام الله علیها این بزرگوار شهید کربلا است. کسی هم شک نکرده است. مهدی هم از این مقوله است.

اگر دنبال نام می گردید، مگر قرآن نام چه کسی را آورده است؟ حتی یک نفر از ائمه هدی علیهم السلام و یا صحابه پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و آله را قرآن نام نبرده است. سیره قرآن بر این مطلب نیست. بنابراین این امور را به سنت پیغمبر واگذار کرده است. محمد بن حنبل از پیغمبر اسلام نقل می کند:

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ. هر که خروج مهدی را انکار کند، کافر شده است. متقی هندی از علمای نام آور اهل سنت و جماعت است. کتابی به نام البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان دارد که تمام تبار و شخصیتش و اینکه در چه دوره ای می آید، غیبتی دارد و مادر و پدرش کست، از نسل امام علی علیه السلام است مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها است و همه و همه را ریز به ریز می گوید. جالب این است که صورت و چهره و بلندی ابروانش و وضعیت بینی و چشمانش، حجم بدنش همه را ریز به ریز گفته اند. از پیغمبر روایت کرده اند که اگر شما دیدید با این توصیفات ایشان را بشناسید ولو که ادعا نکند.

ریز به ریز چهره را گفته اند . المهدیّ رجل من ولدی لونه لون عربیّ و جسمه جسم اسرائیلیّ از تبار اسماعیل ، رنگ رویش عربی است ، گندمگون دارد . همه را در روایات نبوی گفته اند . روی هوا گفته اند ؟؟ عموم دانشمندان ما وقتی کتاب نوشته اند به این روایات استشهاد کرده اند . این روایات را نقل کرده اند . مرحوم کلینی ، شیخ طوسی در کتاب الغیبه ، شیخ مفید ، اینها علمای قرون اولیه هستند که در کتابهایشان نقل کرده اند .

جالب این است که دانشمندی قبل از تولد امام زمان علیه السلام بدرود حیات گفته است ، کتابی به نام الغیبه دارد و نامش فضل بن شاذان نیشابوری و قبرش در حاشیه نیشابور است . این بزرگوار کتابی در بحث امام زمان علیه السلام دارد که متأسفانه در تاریخ گم شده است . در زمان مجلسی بوده است . مجلسی به خانواده ای که این کتاب را داشته اند مراجعه کرده است ولی به جهاتی این کتاب را نداده اند . ولی شاگرد او خاتون آبادی بیست روایت را نقل کرده است . یک کتابی هم در آستان قدس رضوی موجود است و آن این است که کتاب الرجعه فضل بن شاذان را مرحوم شیخ حرّ عاملی از علمای چهارصد سال قبل عصر صفوی ، رو نویسی و تلخیص کرده است و آقای دکتر محدث غرقوی این را تصحیح کرده است و در آستان قدس رضوی موجود است .

این کتاب قبل از ۲۶۰ تألیف شده است . هنوز امام زمان علیه السلام متولد نشده اند . همه علما ، حتی علمای عامه او را می شناختند . ولذا در تبار و خاندان پیغمبر به دنبال مهدی می گشتند . امام جواد سلام الله علیه فرمودند : بنی عباس شمشیر بر قاتل ما امامان نهاد فقط برای این مطلب که فقط دستش به مهدی برسد .

این حدیث را شیخ طوسی در غیب نقل می کند . حضرت عسکری علیه السلام ، زمانی که نرجس خاتون فرزندشان زاده شد ، در آن زمان یک قابله رسمی و دولتی که قابله شخصیت های عباسیین بود و زنان آنها را زایمان می کرد ، آن قابله را خواستند و نرگس خاتون و فرزند ایشان را به آنها نشان دادند . گفتند این بچه از این بانو متولد شده است ، بررسی کن .

او بررسی کرد و گفت درست است . گذشت ، حضرت عسکری شهید شدند ، غیبت آغاز شد ، معتمد عباسی در بنی عباس اعلام کرد که حضرت عسکری فوت کردند و تبار شیعه تمام شد و این خانم بلند شد گفت : جناب خلیفه اشتباه نشود . ابا محمد حسن عسکری من را به خانه اش برد . زن و فرزندش را نشان داد و گفت که این فرزند از این زن متولد شده است ، درست است ؟ گفتم بله درست است . حتی دشمنان او را می شناختند . لذا در سرداب مقدس دنبالش می کشتند ، نه در کربلا نه در نجف و نه در ایران ! آدرس خانه اش را داشتند . از این روشن تر می شود چیزی گفت ؟؟؟!!!

التماس دعای فرج

